

کنکور ۱۴۰۳

همایش جمع‌بندی عربی کنکور

سید محمدعلی مرتضوی

رتبه ۴۱ کنکور سراسری

مسئول درس عربی آزمون‌های قلمچی

مؤلف و ناظر علمی کتاب آبی پیمانه‌ای عربی انسانی

* کلیدهای اصلی حل، **فعل** (صیغه / زمان / معلوم و مجهول)، **اسم** (مفرد و جمع / معرفه و نکره)، **ضمیر** هستند.

* بین گزینه‌های باقیمانده، اختلاف پیدا می‌کنیم و از سایر کلیدها استفاده می‌کنیم.

زمان فعل:

قَدْ + ماضی ← ماضی نقلی (...ه ام، ...ه ای، ...ه است) یا ساده	قَدْ ذَهَبَ: رفته است، رفت
كَانَ + مضارع ← ماضی استمراری (می ماضی)	كَانَ يَذْهَبُ: می‌رفت
كَانَ + (قَدْ) + ماضی ← ماضی بعید (بود)	كَانَ (قَدْ) ذَهَبَ: رفته بود
لَمْ / لَمَّا + مضارع مجزوم = ما + ماضی ← ماضی منفی	لَمْ (لَمَّا) يَذْهَبْ = ما ذَهَبَ = نرفت
لَمْ + مضارع بی تغییر ← چرا (برای چه) + مضارع ساده	لَمْ يَذْهَبْ: چرا (برای چه) می‌رود
لَمْ + ماضی ← چرا (برای چه) + ماضی	لَمْ ذَهَبَ: چرا (برای چه) رفت
لَمَّا + مضارع بی تغییر ← هنگامی که + مضارع ساده	لَمَّا يَذْهَبُ: هنگامی که می‌رود
لَمَّا + ماضی ← هنگامی که + ماضی	لَمَّا ذَهَبَ: هنگامی که رفت
لَا + مضارع بی تغییر ← مضارع منفی	لَا يَذْهَبُ: نمی‌رود
أَنْ + مضارع ← که + مضارع التزامی (بِ.....)	أَنْ يَذْهَبَ: که برود
حَتَّى / لِ، لِكَي، مضارع ← تا، تا اینکه + مضارع التزامی	حَتَّى يَذْهَبَ: تا برود
قَدْ + مضارع ← «گاهی»، «شاید» + مضارع	قَدْ يَذْهَبُ: گاهی می‌رود، شاید برود
ماضی + که + مضارع ← (فعل دوم): ماضی استمراری	شاهدتُ رجلاً يَذْهَبُ: دیدم مردی را که می‌رفت
ماضی + که + ماضی ← (فعل دوم): ماضی بعید یا ماضی ساده	شاهدتُ رجلاً قَدْ ذَهَبَ: دیدم مردی را که رفته بود (رفت)
كَانَ + فعل ۱ + ... و / که + فعل ۲ ← كَانَ رُوی هر دو فعل اثر می‌گذارد	كَانَ عَلِيٌّ يَطَالَعُ وَ يَكْتُبُ: علی مطالعه می‌کرد و می‌نوشت
سَ / سَوْفَ + مضارع ← آینده مثبت	سَيَذْهَبُ = سَوْفَ يَذْهَبُ: خواهد رفت
لَنْ + مضارع ← آینده منفی	لَنْ يَذْهَبَ: نخواهد رفت

فعل معلوم و مجهول:

فعل معلوم	فعل مجهول	
مَاضِي	فَعَلَ	فُعِلَ ← شد (فعل بدون انجام دهنده)
مُضَارِع	يَفْعَلُ	يُفْعَلُ ← می شود (فعل بدون انجام دهنده)

اسم (مفرد و جمع):

اسم	مفرد (بدون علامت) ← مفرد ترجمه می شود
	مثنی (ان / ين) ← به صورت «دو تا» یا «جمع» ترجمه می شود
	جمع (سالم: ون / ين / ات - مکسر) ← به صورت «جمع» ترجمه می شود

اسم (معرفه و نکره):

اسم معرفه به صورت معرفه و اسم نکره به صورت نکره ترجمه می شود.

معرفه (ال...)	← معرفه
الرجل: مرد	
نکره ← ...ی، یک ...	رجل: مردی، یک مرد

* اسم معرفه (ال...) + الّذی / الّتی / الّذین / الّلاتی ← ... ی + که ...

التّلمیذ الّذی ...: دانش آموزی که التّلامیذ الّذین ...: دانش آموزانی که

ضمیرهای متصل:

ضمیرها (ه، هُما، هُم، ها، هُما، هُنَّ، ک، کُما، کُم، کِ، کُما، کُنَّ، ی، نا)	اسم + ضمیر	مَ، مَشْ، مَن ...، خود، خویش
	فعل + ضمیر	من را، او را، ما را ...
		شاهدته: او را دیدم، شاهدتی: مرا دید

اسم اشاره:

اسم اشاره + اسم ال دار	عبارت
اسم اشاره + اسم بدون ال	جمله کامل (..... است / هستند)
هؤلاء التّلامیذ: این دانش آموزان	هؤلاء تلامیذ: این ها، دانش آموزانی هستند

اسم تفضیل و اسم مبالغه:

اسم تفضیل (أَفْعَل / فُعْلَى)	أَفْعَل + (مِنْ) ← — أَفْعَل + مضاف الیه ← —ترین
----------------------------------	---

* اسم مبالغه بر وزن «فَعَّال / فَعَّالَة» می آید و به صورت «بسیار» می تواند ترجمه شود.

انواع حرف «لِ»:

لِ + فعل مضارع :

لِ + فعل مضارع	لِ ناصبه ← تا، تا اینکه لِ جازمه (امر) ← باید	جمله + لِ + جمله (بین دو جمله) جمله + لِ + جمله (تک جمله)	آخر فعل — یا حذف نون آخر فعل — یا حذف نون
----------------	--	--	--

لِ + اسم :

لِ + اسم	در ابتدای جمله ← دارد در وسط جمله ← برای، بخاطر	لی کتاب: کتابی دارم لِلمعلّم: برای معلّم، لِتغییر: بخاطر تغییر
----------	--	---

* دقت کنید: عندَ (لَدَى) + اسم ← دارد

* دقت کنید: کانَ + لِ ← داشت

هناك:

هناك	+ اسم ← وجود دارد، هست در بقیه شرایط ← آن جا	هناك كتبٌ فی المكتبة: در کتابخانه کتاب هایی وجود دارد هناك يلعبُ الأطفال: آن جا کودکان بازی می کنند
------	---	--

* دقت کنید: کانَ + هناك ← وجود داشت

حروف مشبّهة بالفعل:

* إِنَّ ← قطعاً، همانا (ترجمه آن اختیاری است، **واجب نیست!**)

* اگر ترجمه شد، در ابتدای جمله می آید، نه وسط!

لعلّ (امید است، شاید)	}	+ فعل مضارع ← مضارع التزامی	}
ليت (کاش)		+ فعل ماضی ← ماضی استمراری / ماضی بعید	

«لا» نفی جنس:

لا نفی جنس	}	لا + اسم بدون ال — ← هیچ نیست
		لا تلميذ في الصفّ ← هیچ دانش آموزی در کلاس نیست

مفعول مطلق:

مفعول مطلق تأکیدی ← م.م ترجمه نمی شود، قید تأکیدی «قطعاً، همانا، بی شک و....» می آید.
(فعل جمله + + مصدر)
* بهتر است روی فعل جمله قرار می گیرد.

مفعول مطلق نوعی (بیانی) (فعل جمله + + مصدر + صفت / مضاف الیه / جمله وصفیه)

م.م + صفت ← م.م ترجمه نمی شود، فقط صفت ترجمه شود.

م.م + مضاف الیه ← م.م ترجمه نمی شود، مضاف الیه با «مثل، مانند، همچون و» می آید.

م.م + جمله وصفیه ← م.م ترجمه نمی شود، «به طوری که، به گونه ای که، چنان که ...» می آید.

نکات جزئی و جدید:

* و إن: حتی اگر، اگرچه، هرچند

* ما أَفْعَلَ ← (بیان تعجب) چه ... است، چقدر است : ما أَجْمَلَ: چه زیباست, چقدر زیباست

* مِنْ + صفت + أَنْ ← است که : من الأفضل أَنْ: بهتر است که ...

* رَبَّ / رَبِّمَا }
 + فعل مضارع ← مضارع التزامی: رَبَّ الْإِنْسَانَ یَقْدِر...: شاید انسان بتواند
 + فعل ماضی ← ماضی التزامی: رَبَّ الْإِنْسَانَ قَدَرَ...: شاید انسان توانسته باشد

* آوردن حرف «ب» بعد از برخی فعل‌ها، معنای آن‌ها را تغییر می‌دهد؛ به مثال‌های مهم زیر توجه کنید:

قامَ: برخاست	قامَ بِ...: به ... پرداخت، اقدام به ... کرد	قامَ التَّلْمِیْذُ بِأداء واجباته ← دانش‌آموز به انجام تکالیفش پرداخت
جاءَ: آمد	جاءَ بِ...: ... آورد	جاءَ التَّلْمِیْذُ بِالکتاب ← دانش‌آموز کتاب را آورد.
ذهبَ: رفت	ذهبَ بِ...: ... بُرد	ذهبَ التَّلْمِیْذُ بِالکتاب ← دانش‌آموز کتاب را بُرد.

* کادَ + فعل مضارع ← (۱) نزدیک بود که، (۲) چیزی نمانده بود که، (۳) داشت

کادَ الطَّائِرُ یَمُوتُ: (۱) نزدیک بود پرنده بمیرد، (۲) چیزی نمانده بود که پرنده بمیرد، (۳) پرنده داشت می‌مرد

* بدأ / أخذَ + فعل مضارع ← (۱) شروع به ... کرد، شروع کرد که

بدأ الطَّائِرُ یَغْنی: (۱) پرنده شروع به آواز خواندن کرد، (۲) پرنده شروع کرد که آواز بخواند

* ما مِنْ + اسم نکره ← هیچ نیست

(۱) «أما كُنْتُ تَعْرِفُ أَنَّ تَارِيخَ إِنْشَادِ الشَّعْرِ فِي بِلَادِنَا يَعُودُ إِلَى مَا يَقَارِبُ قَرْنَيْنِ لَكِنِ الْآثَارَ الْآخَرَى عُمْرَهَا يَزِيدُ عَنْ ثَلَاثَةِ قُرُونٍ!»:

(۱) آیا می‌دانی که تاریخ سرایش شعر در کشور ما، نزدیک به چند قرن پیش است، اما دیگر آثار، عمرشان بیشتر از سه قرن می‌شود!

(۲) آیا نمی‌دانستی که تاریخ سرودن شعر در کشورمان، به نزدیک به دو قرن بر می‌گردد، اما اثرهای دیگر عمرشان بیش از سه قرن می‌باشد!

(۳) مگر نمی‌دانی تاریخ سرودن شعر کشور ما، نزدیک به دو قرن می‌شود، اما آثار دیگر بیش از سه قرن طول می‌کشد!

(۴) آیا نمی‌دانستی در کشور ما، تاریخ سرودن شعر تقریباً به دو قرن می‌رسد، در حالی که اثرهای دیگر از سه قرن بیشتر است!

(۲) «إِنَّ أَبِي مِنْ أَصْبَرِ النَّاسِ لِأَنَّ الْمَصَائِبَ الَّتِي حَلَّتْ بِنَا مُتَتَالِيَةً لَمْ تَغْلِبْ صَبْرَهُ!»:

(۱) پدرم از صبورترین مردم است چون گرفتاری‌هایی که پیاپی بر ما فرود آمد، بر صبر او چیره نشده است!

(۲) پدر من از مردم بسیار صبور است چون مصیبت‌های پیاپی بر ما فرود آمده اما بر صبر او چیره نگشته است!

(۳) پدرم از شکیباترین مردم است زیرا گرفتاری‌های پی در پی که بر ما فرود آمد، بر شکیبایی او چیره نشده است!

(۴) از شکیباترین مردم، پدر من است زیرا مصیبت‌های متوالی که ما را دچار کرد، نتوانست بر شکیبایی او غلبه کند!

(۳) «لَمْ يَكُنْ بَعْضُ النَّاسِ يَظُنُّونَ أَنَّ الظَّرُوفَ سَتَتَغَيَّرُ وَ إِنِ انْتَشَرَتِ الْكُورُونَا فِي الْعَالَمِ!»:

(۱) برخی از مردم گمان نمی‌کردند که شرایط دچار تغییر خواهد شد اگر کرونا در جهان انتشار پیدا کند!

(۲) بعضی از مردم گمان نکرده‌اند که شرایط دنیا تغییر پیدا خواهد کرد حتی اگر کرونا منتشر شود!

(۳) گمان برخی از مردم این نبوده که شرایط دنیا تغییر خواهد کرد اگرچه کرونا در دنیا پخش شود!

(۴) بعضی از مردم گمان نمی‌کردند که شرایط تغییر خواهد کرد اگرچه کرونا در جهان پخش شود!

(۴) «دَعَا الْأَصْدِقَاءَ الْمُعْجِبِينَ بَأَنْفُسِهِمْ لِأَنَّهُمْ يُمَرِّرونَ حَيَاتَهُمْ دُونَ أَنْ تَنْتَفِعُوا بِهِمْ!»:

(۱) دوستان خودخواه خود را رها کنید، زیرا آنان زندگی را برای شما تباه می‌سازند بدون اینکه شما از آنان بهره‌مند شوید!

(۲) دوستانی را که به خود می‌نازند طرد کنید، زیرا همان‌ها زندگی شما را تلخ می‌سازند بی‌آنکه سودی به شما برسانند!

(۳) دوستان خودپسند را ترک کنید، برای اینکه آنان زندگی شما را تلخ می‌کنند بدون اینکه از آنان بهره‌مند شوید!

(۴) دوستان خودشیفته، شما را رها کرده و باعث تلخی زندگی‌تان می‌شوند بی‌آنکه آنان به شما سودی برسانند!

(۵) «لَمْ نَتَعَلَّمْ دَرْساً مِنْ وَالِدِنَا إِلَّا تَحَمُّلَ الْمَشَقَّاتِ الَّتِي تُصِيبُنَا فِي الْحَيَاةِ!»:

(۱) از پدر و مادر خود فقط درس تحمل کردن سختی‌هایی را که در زندگی ما را دچار می‌کنند، آموخته‌ایم!

(۲) از والدین خود درسی به جز تحمل دشواری‌هایی که در زندگی ما را دچار می‌کنند، نیاموخته‌ایم!

(۳) درسی از پدر و مادرمان یاد نگرفتیم مگر تحمل بر مشقت‌هایی که در زندگی ما بدان دچار می‌شویم!

(۴) از پدرمان تنها این درس را یاد گرفتیم که بر مشقت‌هایی که در زندگی گرفتارمان می‌کنند، تحمل بورزیم!

(٦) «من الصَّعب أن تُصدِّق أنَّ الدَّلافين تقدِّر على أن تُساعد الإنسان في الحصولِ على مكان غرق سفينةٍ أو ترشده إلى مكان سقوط طائفةٍ!»:

(١) باورش سخت می‌باشد که دلفین‌ها بتوانند به انسان کمک کنند تا محلّ غرق شدن کشتی را بیابد، یا او را به مکان افتادن هواپیما راهنمایی نمایند!

(٢) از کارهای دشوار این است که باور کنیم دلفین‌ها قادرند به انسان در پیدا کردن مکان یک کشتی یا هدایت او به مکان سقوط یک هواپیما کمک کنند!

(٣) سخت است باور کنیم دلفین‌ها قادر بر این هستند که انسان را در پیدا کردن مکان غرق شدن کشتی کمک کنند یا او را به مکان افتادن هواپیما راهنمایی کنند!

(٤) دشوار است که باور نماییم دلفین‌ها می‌توانند به انسان در یافتن محلّ غرق یک کشتی کمک کنند یا او را به محلّ سقوط یک هواپیما راهنمایی کنند!

(٧) «كادت الأمّ الحنون تبكي عندما تساقطت الدَّموع من عيوننا تساقط الأوراق الخريفية!»:

(١) چیزی نمانده بود که مادر مهربان گریه کند وقتی که اشک‌ها از چشمان ما هم‌چون برگ‌های پاییزی فروریختند!

(٢) نزدیک بود مادر مهربان گریه کند هنگامی که چشمان ما مثل برگ‌های پاییزی داشتند اشک می‌ریختند!

(٣) مادر مهربان شروع به گریه کرد وقتی که اشک‌ها از چشمان ما مانند برگ‌های پاییز فروریختند!

(٤) مادر مهربان داشت گریه می‌کرد وقتی که از چشم‌هایمان اشک‌ها مثل برگ‌های پاییزی قطعاً فروریختند!

(٨) «كنتُ قد قرأتُ في مجلّةٍ علميّةٍ أنَّ البومة لا تتحرّك عينيها ولكن يستطيعُ رأسُها أن يتحرّك في كلّ جهة!»:

(١) در مجله‌ای علمی خواندم که جغد چشمش را حرکت نمی‌دهد، اما می‌تواند سرش را در هر جهتی حرکت دهد!

(٢) در یک مجله علمی خوانده بودم که جغد چشمش حرکت نمی‌کند، ولی سرش می‌تواند در هر سمتی حرکت کند!

(٣) در مجله‌ای علمی خوانده بودم که جغد چشم خود را حرکت نمی‌دهد، اما می‌تواند سرش را در هر سمتی حرکت دهد!

(٤) در مجله‌ای علمی خوانده بودم که جغد چشمش حرکت نمی‌کند، ولی سرش این توانایی را دارد که در هر جهتی حرکت کند!

(٩) «السَّعادة هي أن يكون لديك عينٌ لا ترى إلّا الجمال و قلبٌ يغفر سيئات الآخرين و روح يملأها الأمل!»:

(١) سعادت این است که چشمت به جز زیبایی چیزی نبیند و قلبت بدی‌های دیگران را ببخشد و روح‌ت را امید سرشار کرده باشد!

(٢) خوشبختی آن است که چشمی داشته باشی که تنها زیبایی را ببیند و قلبی که بدی‌های دیگران را ببخشد و روحی که امید آن را پر کند!

(٣) سعادت آن است که برای تو چشمی باشد که فقط زیبایی را مشاهده کند و قلبی که بدی‌های دیگران را ببخشد و روحی که سرشار از امید باشد!

(٤) خوشبختی آن است که تو فقط چشمی داشته باشی که زیبایی را ببیند و قلبی که از کارهای بد دیگران درگذرد و روحی که امید آن را سرشار نماید!

۱۰ «ما أسوأ الأحبة الذين يتركونني خاسراً و لا يحبونني إلا فائزاً!»:

۱) چه بدند دوستانی که مرا در حالی که باختهم رها می کنند و فقط در حالی که برنده ام دوستم می دارند!

۲) بدترین دوستان کسانی اند که هنگام باخت رهایم کنند و فقط شخص برنده را دوست می دارند!

۳) دوستان بد آن هایی هستند که مرا بازنده ترک می کنند و جز در زمان بُرد دوستی نمی کنند!

۴) چه بد هستند آن دوستانی که مرا به خاطر باخت رها می کنند و جز در زمان بُرد دوست نمی دارند!

۱۱ «ما من أحد يكذب و يحاول أن يخفي كذبه إلا يظهر الكذب في فلتات لسانه!»:

۱) هر کسی که دروغ می گوید و می کوشد دروغش پنهان بماند، قطعاً دروغ در لغزش های زبان او ظاهر می شود!

۲) هیچ کسی نیست که دروغ بگوید و بکوشد دروغش را پنهان نماید جز آنکه دروغ در لغزش های زبان وی آشکار گردد!

۳) جز این نیست که کسی که دروغ می گوید و تلاش می کند دروغش را مخفی نماید، دروغ در لغزش های زبانش آشکار می گردد!

۴) هیچ کسی نیست که کذب بگوید و برای پنهان کردن دروغش تلاش کند مگر این که لغزش های زبان دروغش را آشکار کنند!

۱۲ «إذا أراد أحد مساعدة الفقراء فلينفق ماله سراً لعلَّ الله يقبله!»:

۱) هر وقت شخصی کمک کردن به فقیران را بخواهد، از مال خود مخفیانه انفاق می کند، شاید خداوند آن را بپذیرد!

۲) اگر یک شخص کمک به نیازمندان را اراده کرد، باید به طور پنهانی انفاق کند، امید است خداوند آن را قبول کند!

۳) هرگاه کسی اراده کند که به نیازمندی کمک کند، مالش را با حالت پنهانی باید انفاق کند، باشد که خداوند از او بپذیرد!

۴) هر زمان شخصی خواست که به فقیران یاری برساند، باید مال خود را مخفیانه انفاق کند، شاید خداوند آن را قبول کند!

۱۳ «لا تُنادي في هذا الليل الموحش إلا الأمّ الحنون!»:

۱) فقط مادر مهربان در این شب ترسناک صدا زده می شود!

۲) در این شب وحشتناک، صدا فقط به مادری مهربان می رسد!

۳) در این شب تاریک و ترسناک تنها مادری مهربان را صدا می زند!

۴) به غیر از مادر مهربان، کسی در شب ترسناک ندایی بر نمی آورد!

(۱۴) «عندما يرغب المرء في مساعدة الآخرين رغبةً كثيرةً، يُساعده الله في الأيام الصَّعبة مُساعدة تُنقذه أيضاً!»:

(۱) زمانی که انسان به یاری دیگران بسیار اشتیاق پیدا می کند، خدا هم در روزهای سخت قطعاً به او کمکی می کند که نجاتش دهد!

(۲) هرگاه فرد بسیار رغبت داشته باشد که به دیگران کمک کند، خداوند نیز در آیام دشواری به او کمکی می کند تا وی را نجات بدهد!

(۳) هنگامی که فرد به کمک به دیگران بسیار رغبت پیدا می کند، خدا نیز در روزهای سخت به او کمکی می کند که وی را نجات بدهد!

(۴) زمانی که آدمی به کمک به دیگران رغبت بسیاری پیدا می کند، خداوند هم در روزهای سخت برای نجاتش به او کمک می کند!

(۱۵) أكمل الفراغات في الترجمة:

«طوبى لمن لا يخاف الناس من لسانه، ليجتنب الإنسان عن ذكر أقوال تجرح الآخرين لأنَّ الكلام قد يكون أقوى من الحُسام!»:

..... مردم از زبانش نمی ترسند، انسان از گفتن سخنانی زیرا سخن شمشیر است!

(۱) خوشا آن که / اجتناب می کند / که سایرین را زخمی نماید / بدون شک / نیرومندترین

(۲) خوشا به حال کسی که / باید دوری کند / که دیگران را مجروح کند / گاهی / نیرومندتر از

(۳) خوشا به حال کسی که / باید دوری کند / که دیگران مجروح شوند / گاهی / قوی تر از

(۴) خوشا آن که / بایستی دور شود / که دیگران را مجروح نماید / بی شک / قوی تر از

(۱۶) عَيِّن الخطأ:

(۱) إِنَّ عباد الله ليسوا محرومينَ عَنِ الطَّيِّبَاتِ!: قطعاً بندگان خدا از روزی های پاک محروم نیستند!

(۲) لَيْتَ التَّلَامِيذُ يُدْرِكُونَ قِيَمَةَ الْوَقْتِ فِي الْحَيَاةِ!: کاش دانش آموزان ارزش وقت را در زندگی درک کرده بودند!

(۳) لَعَلَّنَا نَقْدِرُ أَنْ نَعْمَلَ وَاجِبَاتِنَا يَوْمِيًّا!: امید است ما بتوانیم به صورت روزانه تکالیف خود را انجام دهیم!

(۴) هُنَاكَ جُهَاَلٌ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ يَخْلُدُونَ فِي الدُّنْيَا وَ لَا يَمُوتُونَ!: نادان هایی هستند که گمان می کنند در دنیا جاودان می شوند و نمی میرند!

(۱۷) عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) يَجِبُ أَنْ يَتَعَلَّمَ الطِّفْلُ التَّأَمُّلَ مُنْذُ الصِّغَرِ: کودک باید از دوران کودکی، اندیشیدن را بیاموزد،
- (۲) لِأَنَّ بَذْرَ التَّأَمُّلِ تُزْرَعُ فِي الطِّفْلِ بِسُهُولَةٍ: زیرا بذرهای اندیشه به آسانی در کودک کاشته می‌شوند،
- (۳) وَلَكِنَّهُ مَنْ يُحَاوِلُ التَّأَمُّلَ فِي الْكِبَرِ فَهُوَ كَمَنْ يَزْرَعُ بَذْرًا عِنْدَ انْتِهَاءِ مَوْسِمِهَا: ولی هرکس در بزرگسالی در اندیشیدن بکوشد، مانند کسی است که بذرهایی را در آخر فصلش می‌کارد،
- (۴) فَإِنَّ الْمُعَلِّمِينَ الْحَاقِقِينَ لِيُرَبُّوا تَلَامِيذَهُمُ الصِّغَارَ جَيِّدًا!: پس قطعاً آموزگاران ماهر هستند که دانش‌آموزان کم‌سن و سال خود را به خوبی پرورش می‌دهند!

(۱۸) عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) كَانَ الطَّلَابُ يَحْبَوْنَ التَّكَلَّمَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ: دانش‌آموزان دوستدار این بودند که به زبان عربی سخن گویند،
- (۲) لِأَنَّهَا تَسَاعِدُهُمْ لِفَهْمِ الْقُرْآنِ أَكْثَرَ مِنْ قَبْلِ: زیرا آن ایشان را برای فهمیدن قرآن بیش از پیش یاری می‌کرد،
- (۳) وَ لِهَذَا كَانَتْ لَهُمْ مُحَاوَلَةٌ كَثِيرَةٌ لَتَعَلَّمَ الْعَرَبِيَّةَ: و از این رو تلاش زیاد آن‌ها برای یادگیری عربی بود،
- (۴) وَ ازدادت هذه المحاولات في السنوات الأخيرة!: و این تلاش‌ها را در سال‌های اخیر افزایش داده‌اند!

(۱۹) عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) يَا أَيُّهَا الشَّبَابُ! لَمْ تُجَرِّبُوا مَا قَدْ جُرِّبَ مَرَاتٍ!: ای جوانان! چیزی را که بارها آزموده شده، امتحان نکرده‌اید!
- (۲) أَحَبُّ أَصْدِقَائِي هُوَ الَّذِي يُهْدِي إِلَيَّ عِيُوبِي!: دوستانی را دوست می‌دارم که عیب‌های من را به من هدیه می‌کنند!
- (۳) هُنَاكَ مَنْ لَا يُسَاعِدُونَ الْآخِرِينَ وَ هُمْ بِحَاجَةٍ إِلَيْهَا!: کسانی هستند که به دیگران کمک نمی‌کنند هنگامی که آن‌ها بدان نیاز دارند!
- (۴) إِنَّ الْأُمَّ تَجْلِسُ أَوْلَادَهَا أَمَامَهَا لِتَنْصَحَهُمْ مُشْفَقَةً!: مادر فرزندان خود را در مقابلش می‌نشاند تا آنان را با دلسوزی نصیحت کند!

(۲۰) «جغد نقصش را با حرکت دادن سرش به هر جهتی جبران می‌کند!»:

- (۱) تُعَوِّضُ الْبُومَةُ نَقْصَهَا بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ جِهَةٍ!
- (۲) تَعَوِّضُ الْبُومَةُ نَقْصَهَا بِتَحَرُّكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ جِهَةٍ!
- (۳) الْبُومَةُ تُعَوِّضُ نَقْصَهَا بِتَحْرِيكِ رَأْسِهِ فِي كُلِّ الْجِهَةِ!
- (۴) تُعَوِّضُ الْبُومَةُ نَقْصَهُ بِتَحَرُّكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ الْجِهَةِ!

شماره	بازیابی ← مبحث: اسم از نظر جنس و تعداد، اسم اشاره، هماهنگی فعل با جمله	زمان پاسخگویی: ۳ دقیقه
۱.	كان لنا أخوان يُساعدهما في الحياة مُشفقين. لم لا يتَّبِع بعض مُواطني البلاد قوانين قد وضعناها. سمعت الطالبة أصوات مكثف الهواء من إحدى الحُجرات. هو ينصح اللاعبين أن لا يرموا التِّفائات في غير مكانها!	كم جمعاً سالماً؟ كم جمعاً مُكسراً؟
۲.	 المصابيح المُلونة تُنور أعماق البحار و المُحيطات. الشيوخ ينصحون الشَّباب بالالتزام بالعهد و الصِّدق.	تلكَ ○ اولئكَ ○
۳.	- لا تعيبون الآخرين و اهتموا بمكارم الأخلاق فقط! - طلبنا من الرِّميلات أن لا تتكاسلن في أداء الواجبات الدِّراسية! - من النَّاس من لا يستمعون إلى الكلام الحقّ و يُعارضونه! - لا يُعجباني هذان الفريقان في مُباراة كرة القدم جدّاً، فلا نذهبُ لمُشاهدتها إلى المَلعب!	خطأ في «صيغة الفعل أو استخدام الفعل»؟
شماره	بازیابی ← مبحث: عدد و محدود	زمان پاسخگویی: ۳ دقیقه
۴.	- خمس عشرة تلميذات قد شاركن في ثامن المسابقات الرياضيّة. - يجلسُ أحد المدعوّين على الكرسيّ الثلاثين في قاعة الحفلة!	اصلي / ترتبي؟ اصلي / ترتبي؟
۵.	- في مدينتنا اثنتانِ مدرستين ، مدرستنا لها تسعون و أربعة تلميذاً فَرَسَبَ كُلُّهم في امتحان الأدب الفارسيّ إلّا عشرين زملاء منهم، كَأَنَّ الآخرين سيستعدّون للامتحان الثَّانية في نهاية الصِّيف.	عدد الأخطاء في العدد أو المَعْدود؟
۶.	ثمانية و ثمانون تقسيم على أربعة يُساوي	
۷.	« لَمَّا دَخَلْنَا الفندق، شاهدنا تسع غرف فيه، كان في كلّ غرفة ثلاثة أسرة إلّا في الغرفة الخامسة، فكانت فيها سرير واحد فقط؛ كم سريراً في هذا الفندق ؟ » ساعة « ۱ » ؟ الساعة الثَّامنة إلّا ثلثاً ؟	الأوّل الأولى الواحدة

اسم از نظر تعداد

- مفرد: بدون علامت؛ رجل، شجرة، تلميذ
- مثنی: اسم + **ان / ين**
- جمع
 - سالم
 - مکسر
 - بدون قاعده و قانون: کتاب ← کُتِبَ
- مذكر سالم: اسم + **ون / ين**
- مؤنث سالم: اسم + **ات**

* اگر با حذف علامت آخر (ان - ين - ون - ات) مفرد کلمه، سالم باقی ماند، اسم مورد نظر مثنی یا جمع سالم محسوب می شود.

* برای اسم های جمع انسان از اسم اشاره جمع (هؤلاء - اولئك) و برای جمع های غیر انسان، از اسم اشاره مفرد مؤنث (هذه - تلك) استفاده می کنیم.

انجام دهنده + فعل ← از نظر **جنس و تعداد** با هم مطابقت می کنند.

فعل + انجام دهنده ← از نظر **جنس** با هم مطابقت می کنند. اما فعل باید حتماً **مفرد** بیاید.

* اعداد ترتیبی: اولی ش همیشه **أول (اولی)**، بقیه بر وزن **فاعل**

* اعداد مضرب ۱۰ (عشرین، ثلاثین، أربعین و) ← بدون ال: اصلی / با ال ← ترتیبی

(۱) **اعداد ترتیبی** معمولاً **بعد** از معدود خود می آیند، نقش **صفت** را دارند و در **جنس و معرفه - نکره** مثل معدود خود هستند ← الشَّهر الثَّانی

المقالة الثَّانیة

(۲) در بین **اعداد اصلی** هم یک (**واحد**) و دو (**اثنان**) **بعد** از معدود خود می آیند، نقش **صفت** را دارند و در **جنس و معرفه - نکره** مثل معدود خود هستند:

یک ماه ← شهر واحد دو مرد ← رجلان اثنان دو جمله ← جملتان اثنان

* در سؤالات کاربرد عدد و معدود:

(۱) مراقب باشیم با توجه به مفهوم و ساختار جمله، عدد اصلی یا ترتیبی به درستی به کار رود.

(۲) در اعداد دو رقمی معطوف، اول یکان و بعد دهگان بیاید.

(۳) معدود اعداد ۳ تا ۱۰:

الف) به صورت جمع و مضاف الیه می آید. ب) از نظر جنس برعکس عدد خود است.

چهار کتاب ← أربعة كتب ۹ مقاله ← تسع مقالات

(۴) معدود اعداد ۱۱ تا ۹۹ همیشه مفرد و منصوب است:

یازده ستاره ← أحد عشر كوكباً ۳۷ باغ ← سبع و ثلاثون حديقة

شماره	بازیابی ← مبحث: افعال ثلاثی مزید	زمان پاسخگویی: ۳ دقیقه
۸.	تجمع الطالبات الذکوة جميع المعلومات في دفترها!	باب الفعل؟
	تناصر في السنوات الماضية كل فئة من فئات الناس!	باب الفعل؟
	 الناس أشجار الغابة في مازندران!	لا ينقطع ○ لا يقطع ○
	 كلام الولد عن برامجه للشهور الآتية أمه!	يُحَيَّر ○ يَتَحَيَّر ○
	 الأب الحنون بنّته عنده ليتكلّم عن موضوع مهم!	يُجَلِّس ○ يُجَلِّس ○ يُجَالِس ○
شماره	بازیابی ← مبحث: جملة فعلية و جملة اسمية	زمان پاسخگویی: ۶ دقیقه
۹.	إنّ الطين ترابٌ يُختلَط بالماء و لو زالت عنه الرطوبة!	كم جملة فعلية في العبارة؟
۱۰.	تربّيكم من قد تعلّم أصول التربية في الجامعات!	محلّ اعرابي «من» ←
	عرفت من ساعدوني عند شذائد الحياة مساعدة!	محلّ اعرابي «من» ←
	اليوم أعحبت الإخوة نتيجتهم في امتحان نهاية السنة!	فاعل؟
	لا يُصدّق بين فئات الناس ما هو ليس صحيحاً!	محلّ اعرابي «ما» ←
۱۱.	- صديقي! أعني لكي أقدر على مواصلة الطريق!	عدد «نون الوقاية»؟
	- ليتني أنجح في عملي وأعوّض خسراني أسرع!	
	- إضميني لهذه الأسرة نجاح هذا الولد أيتها الأخت العزيزة!	
	لا تظنّي أنّك تضرّيني و لاتشاهدين عاقبة عملك!	محلّ اعرابي لـ «الياء»؟
۱۲.	- هؤلاء عمال نشيطون يتعاونون في مصنعنا!	عين الخبر «جملة»:
	- للدّهاب إلى السّفر هؤلاء المسافرون يركبون الطّائرة!	
	متعلّم لا يقطع كلام معلّميه ناجح و هو يلتزم بحسن الأخلاق!	الخبر؟
۱۳.	- وقعت الخيانات الكبيرة بغزوة أحد!	معنى «الباء»:
	- جاء المعلّم بستّ هدايا للتلاميذ النّاجحين!	معنى «الباء»:
	- إنّ المؤمن يثق بالله و إنّما رجاءه هو الله!	معنى «الباء»:

* وزن «تَفَعَّلَ» می تواند حالت های مختلفی داشته باشد؛ با توجه به حرکت گذاری و اسلوب جمله، باید آن را تعیین تکلیف کنیم:

تَفَعَّلَ : فعل ماضی صیغه «هو» از باب «تَفَعَّلُ»

تُفَعِّلُ : فعل مضارع صیغه «هی» از باب «تَفَعِّلُ»

تَفَعَّلْ : فعل امر صیغه «أنت» از باب «تَفَعَّلُ»

تَفَعَّلُ : مصدر (اسم) از باب «تَفَعَّلُ»

(۱) در ۶ باب (افعال، تفعیل، مفاعلة، انفعال، افتعال، استفعال) فعل ماضی و امر تنها در حرکت عین الفعل با هم تفاوت دارند؛ در فعل ماضی، عین الفعل، فتحه و در فعل امر، عین الفعل، کسره دارد.

(۲) در ۲ باب (تَفَعَّلُ و تَفَاعُلُ) فعل ماضی و امر از نظر شکل، کاملاً یکسان هستند؛ در هر دو فعل، عین الفعل فتحه دارد.

فعل متعدی

باب «افعال» و «تفعیل»

خَرَجَ: بیرون رفت (لازم) ← أَخْرَجَ: بیرون آورد (متعدی)
صَدَقَ: راست گفت (لازم) ← صَدَّقَ: باور کرد (متعدی)

فعل لازم (..... شد)

باب «انفعال»

قَطَعَ: قطع کرد (متعدی) ← انْقَطَعَ: قطع شد (لازم)
كَسَرَ: شکاند (متعدی) ← انْكَسَرَ: شکسته شد (لازم)

«پذیرفتن اثر»

باب «تَفَعَّلُ»

أَثَّرَ (باب تفعیل): اثر گذاشت ← تَأَثَّرَ (باب تَفَعَّلُ): اثر پذیرفت، تحت تأثیر قرار گرفت

..... با

باب «مُفاعلة»

جَلَسَ: نشست ← جالَسَ: هم نشینی کرد
كَتَبَ: نوشت ← كَاتَبَ: نامه نگاری کرد

یکدیگر، همدیگر

باب «تَفَاعُلُ»

عَرَفَ: شناخت ← تَعَارَفَ: یکدیگر را شناختند
عاشَ: زندگی کرد ← تَعَايَشَ: همزیستی کردند

طلب و درخواست

باب «استفعال»

غَفَرَ: بخشید ← اسْتَغْفَرَ: بخشش خواست

هر فعلی، یک جمله فعلیه محسوب می‌شود.

(۱) فاعل و مفعول بعد از فعل می‌آیند.

(۲) فعل و فاعل همیشه هم جنس هستند، اما فعل و مفعول می‌توانند هم جنس نباشند.

(۱) اگر ضمیر متصل، به انتهای یک فعل بچسبد، نقش مفعول را دارد.

(۲) مراقب دو ضمیر «ی» و «نا» در انتهای فعل باشیم:

* اگر در انتهای یک فعل، ضمیر «ی» دیدیم:

فعل + ن وقایه + ی ← ی مفعول است

فعل + ی ← ی شناسه فعل و جزء خود فعل است.

* اگر در انتهای یک فعل، ضمیر «نا» دیدیم:

اگر فعل از صیغه متکلم مع الغیر ماضی باشد ← نا شناسه فعل و جزء خود فعل است.

اگر از بقیه صیغه‌ها باشد ← نا مفعول است

(۱) برای پیدا کردن نون وقایه دنبال « فعل + ن وقایه + ضمیر «ی» » و « حرف + ن وقایه + ضمیر ی » می‌گردیم.

(۲) در سؤالاتی که «ن» وقایه را می‌خواهند، مراقب باشید «ن» جزء حروف اصلی فعل نباشد.

یک اسم

یک فعل (جمله فعلیه)

یک جار و مجرور

انواع
خبر

* خبر عضوی است که با حذفش، جمله ناقص می‌شود.

* اگر بین چند جزء شک کردیم، اولویت در خبر بودن این چنین است: اسم < فعل < شبه جمله

* / اسم + مضاف الیه / ← با خبر اشتباه نگیر!

* / اسم + صفت / - / اسم نکره + فعل (جمله وصفیه) / ← با خبر اشتباه نگیر!

* / اسم اشاره + اسم ال دار / ← خبر نیست / اسم اشاره + اسم بی ال / ← خبر است

* / موصول + صله / ← با خبر اشتباه نگیر! / اسم ال دار + موصول خاص / ← با خبر اشتباه نگیر!

سَمَارَه	بازيابی ← مبحث: فعل مجهول	زمان پاسخگویی: ۴ دقیقه
۱۴.	- تُزَيِّن السَّمَاء و الأرض في الأيام الماطرة بألوان جميلة!	معلوم ○ مجهول ○
	- اخترع نوبلُ الدِّيناميت فانتشر الدِّيناميتُ في جميع أنحاء العالم!	معلوم ○ مجهول ○ معلوم ○ مجهول ○
۱۵.	- يَحْكِي المُزَارِع حكايةً عن مزرعة كانَ يُرَبِّي فيها أنواع الطَّيُور، ذات يوم كان عدد الأفراخ ينقُصُ تدريجيّاً في المَزرعة.	عين الصَّحيح في بناء المَجهول من الأفعال:
		(۱)
		(۲)
		(۳)

۱) بهترین راه برای تشخیص فعل معلوم و مجهول، ترجمهٔ حدودی است، دو ترجمه برای فعل در نظر بگیرید، هر کدام مفهوم کاملتری داشت، نوع فعل را معین می‌کند:

..... یه کاری کرد ← فعل معلوم یه چیزی شد ← فعل مجهول

۲) اگر انتهای فعل، ضمیر متصل (ـه، ـهما، ـهم و...) چسبیده باشد، فعل معلوم است.

۳) مراقب (فعل‌های باب انفعال)، (برخی فعل‌های باب افتعال) و (بعضی فعل‌های دیگر) که در حالت معلوم، در معنی خود (شد / می‌شوند) دارند، باشید؛ این‌ها معلوم هستند و هیچ‌گاه هم مجهول نمی‌شوند.

* در تبدیل جملهٔ معلوم به مجهول:

۱) حرکت‌گذاری تغییر می‌کند: ماضی: ————— ← مجهول مضارع: ————— ← مجهول

۲) فاعل حذف می‌شود.

۳) مفعول تبدیل به نائب فاعل و مرفوع می‌شود.

۴) نائب فاعل از نظر جنس با فعل مجهول مطابقت می‌کند. (مشابه فعل معلوم و فاعلش)

سؤال	بازیابی ← مبحث: اسم فاعل، اسم مفعول، اسم تفضيل و...	زمان پاسخگویی: ۵ دقیقه
۱۶.	تلك الأشعار الرائعة <u>مُنشدة</u> لمدح الفضائل الانسانية بإخلاص!	اسم فاعل ○ اسم مفعول ○
۱۷.	إنّ شبابنا الأعزّاء يُقاومون أمام الحُكّام الظّالمين و العُدّة و لو كانوا ظّالَمينَ.	اسم فاعل ؟ اسم مبالغة ؟
	(۱) قوَال (۲) صيَاد (۳) فتّاحَة	○ يدلّ على المهنة ○ يدلّ على الأداة أو الآلة ○ للدّلالة على كثرة الصّفة
۱۸.	- أحسن بعض النّاس إلى من بحاجة إلى الإحسان!	اسم تفضيل: ✓ ×
	- أكثر هؤلاء الأشخاصُ في الاستهلاك فتضرّر الجميع!	اسم تفضيل: ✓ ×
	- أعلم النّاس في تمييز المسائل عالم لا يحكم دون علم!	اسم تفضيل: ✓ ×
۱۹.	إنّ الطّفل الصّغير يرى كلّ خير في أمّه و يلجأ إليها!	تفضيلي ○ صفة ○ مصدر ○
۲۰.	هؤلاء المُجاهدون من أشجع الشّباب في بلادنا!	شجاع تر ○ شجاع ترين ○
۲۱.	- الرّميلات هي الّتي تبذل جهوداً كثيرة لهدفها!	أحسن ○ حُسن ○
	- أخت أبي تَرقد في إحدى المُستشفيات!	الأكبر ○ الكبّرى ○
	- أختي من الصّديقات الّلاتي يَلعبنَ معها!	أكبر ○ كبرى ○
۲۲.	- يقومُ الفلاح من النّوم عند مطلع الشّمس! - إنّ الفلاح سوف يُنظّف مَجرى المياه في الحقل! - قد تقعُ بعض الكتب العلميّة القيّمة مَرجع المُثقفين!	عدد «اسم المكان» في العبارات ؟

اسم فاعل ← فاعِل (از مصدر مجرّد) مُ — (از مصدر مزید)

اسم مفعول ← مَفْعُول (از مصدر مجرّد) مُ — (از مصدر مزید)

* اگر حرکت گذاری داده نشود، برای تشخیص (اسم فاعل / اسم مفعول) از ترجمه حدودی استفاده می کنیم.

* اسم مبالغه بر وزن «فَعَال» و «فَعَالَةٌ» می آید.

* مراقب باشید وزن «فَعَال» را با وزن «فُعَال» اشتباه نگیرید.

کاربرد اسم مبالغه

کثرت صفت ← غَفَّار / عَلَّام / فَهَّام
شغل و حرفه (مهنه) ← طَبَّاح / بَقَّال / نَقَّاش
ابزار و وسیله (آلة) ← جَوَّال / سَيَّارَةٌ / نَظَّارَةٌ / فَتَّاحَةٌ

برای تشخیص اسم تفضیل، دنبال وزن های «أَفْعَل / فُعَلی / أَفَاعِل / خَیر / شَرّ» می گردیم. چک می کنیم معنی «تر / ترین» بدهند؛ مراقب موارد زیر باشیم:

(۱) اسم رنگ ها بر وزن أَفْعَل و فَعْلَاء اسم تفضیل نیستند: أَخْضَر، خُضْرَاء

(۲) اسم عیب و بیماری بر وزن أَفْعَل و فَعْلَاء اسم تفضیل نیستند: أَعْمَى، عَمِیَاء / أَبْکَم، بَکْمَاء / أَصَمّ، صَمَّاء

(۳) فعل ماضی باب افعال صیغه ۱ (أَفْعَل) و مضارع متکلم وحده (أَفْعَل) را اشتباه نگیرید!

(۴) اسلوب تعجّب «ما أَفْعَلَ....» (چه ... است) را اشتباه نگیرید!

اسم تفضیل ← بَهِتَر / بَدْتَر
صفت ← خُوب / بَد
مصدر ← خُوبی / بَدی

خَیر / شَرّ

* اسم تفضیل در بیشتر شرایط، بر وزن «أَفْعَل» می آید.

* تنها زمانی اسم تفضیل بر وزن «فُعَلی» می آید که صفت باشد و موصوف آن، یک اسم مؤنث باشد.

(۱) اسم مکان دو شرط باید داشته باشد: * با «مَ» شروع شود. * معنای مکان بدهد!

(۲) دقت کنید وزن «مَفْعَل» گاهی معنای «مکان وقوع فعل» دارد و اسم مکان است، اما گاهی معنای «زمان وقوع فعل» دارد و اسم زمان است؛ تشخیص این موضوع، با استفاده از ترجمه حدودی ممکن است.

شماره	بازیابی ← مبحث: اسلوب شرط	زمان پاسخگویی: ۴ دقیقه
۲۳.	مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ لَا يَأْسُ عِنْدَ مَشَاكِلِ الْحَيَاةِ!	اسلوب شرط: ✓ ×
	مَنْ يَحَاوِلْ كُلَّ يَوْمٍ وَيَعْتَمِدْ عَلَى نَفْسِهِ يَتَقَدَّمْ حَتْمًا!	اسلوب شرط: ✓ ×
	مَا تَفْعَلِينَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا تَرِينَ نَتِيجَتَهَا حَتْمًا!	اسلوب شرط: ✓ ×
	مَنْ يَتَخَرَّجُ مِنَ الْجَامِعَةِ هَذِهِ السَّنَةِ يُسْتَخْدَمُ فِي إِحْدَى الشَّرَكَاتِ!	اسلوب شرط: ✓ ×
	مَا زَرَعْتَ الْعِدَاوَةَ فَسَوْفَ تَحْصِدُ الْخُسْرَانَ!	اسلوب شرط: ✓ ×
	مَا يَعْجِبُنِي جَدًّا فِي هَذِهِ الْمُبَارَاةِ، هُوَ حَارِسُ مَرَمِي!	اسلوب شرط: ✓ ×
۲۴.	مَا أَحَبَّ السَّائِحُ مِنْ إِيرَانَ إِلَّا غَابَاتِهَا الْخَلَابَةَ!	نوع «ما»: تعجبي ○ نافية ○
	مَنْ حَاوَلَ كَثِيرًا حَتَّى يَنْجَحَ فِي الْامْتِحَانِ!	نوع «من»: شرطي ○ موصولي ○ استفهامي ○
	مَا تَعَلَّمْتُ دَرْسًا فِي مَدْرَسَةِ الْحَيَاةِ إِلَّا دَرْسَ الْمَثَابِرَةِ وَ الْمَقَاوِمَةِ!	نوع «ما»: شرطية ○ نافية ○ موصولي ○
	مَا اسْتَفَدْتُ مِنْهُ لِلْوُصُولِ إِلَى أَهْدَافِي هُوَ قُوَّةُ التَّفَكُّرِ وَ التَّعَقُّلِ!	نوع «ما»: شرطية ○ نافية ○ موصولي ○
	مَا مِنْ مَرَضٍ مِنْ أَمْرَاضِ الْقَلْبِ إِلَّا وَ لَهُ دَوَاءٌ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ!	نوع «ما»: شرطية ○ نافية ○ موصولي ○
	مَنْ يُنْفِقْ فِي سَبِيلِ رَبِّهِ مُخْلِصًا فَلَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ!	نوع «جواب شرط»: جملة فعلية ○ جملة اسمية ○
۲۵.	إِنْ تَبَدَّؤُوا بِالْعَمَلِ سَرِيعًا ، عَلَى الْمَطْلُوبِ!	إنَّكم تحصلوا ○ فإنَّكم تحصلوا ○ فإنَّكم تحصلون ○
شماره	بازیابی ← مبحث: معرفه - نكره	زمان پاسخگویی: ۲ دقیقه
۲۶.	- رَبِّ اجْعَلْ صَدِيقِي سَعِيدًا فِي حَيَاتِهِ!	گم اسم علم یوجد في العبارات؟
	- الْيَوْمَ سَلَّمْتُ عَلَى سَعِيدٍ صَدِيقٍ أَخِي الْأَكْبَرِ!	
	- إِنَّ الْمُتَفَائِلَ يَرَى نَفْسَهُ سَعِيدًا فِي الْحَيَاةِ!	
۲۷.	۱- خَرَبَتْ بَيْوتُنَا رِيَا حٌ شَدِيدَةً بَعْدَ نَزُولِ الْأَمْطَارِ!	هل النكرة يُترجم معرفة في الفارسية؟ ✓ × ○ ۱ ○ ۲ ○ ۳ ○ ۴
	۲- يَا بُنَيَّ! الصَّلَاةُ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ مُتَعَهِّدٍ!	
	۳- ثَلَاثُونَ حَدِيقَةً قَدْ بُنِيتَ لِلْمُوَاطِنِينَ هُنَا!	
	۴- الصَّدَقُ فَضِيلَةٌ يَهْتَمُّ بِهَا كُلُّ مُسْلِمٍ مُخْلِصٍ فِي حَيَاتِهِ!	
۲۸.		«ال» تُفيدُ معنى اسم الإشارة؟
	- يَلْعَبُ لَاعِبُونَ فِي مَلْعَبٍ قَرِبَ بَيْتِنَا كَأَنَّ اللَّاعِبِينَ يَسْتَعِدُّونَ لِمُبَارَاةٍ مُهِمَّةٍ!	✓ ×
	- تُثَبِّتُ ظَوَاهِرَ الطَّبِيعَةِ قُدْرَةُ اللَّهِ لَنَا لَعَلَّنَا نَلْتَدَّ بِالظَّوَاهِرِ أَكْثَرَ فَأَكْثَرُ!	✓ ×

(۱) برای تشخیص اسلوب شرط به دنبال یکی از ساختارهای زیر می‌گردیم:

ادات شرط + یک فعل (فعل شرط) + یک فعل دیگر

ادات شرط + یک فعل (فعل شرط) + ف
}

(۲) دقت کنید فعل شرط و جواب شرط باید کاملاً مستقل باشند؛ بتوانیم بینشان (،) بگذاریم. کلمات ربط (وَ، لِ، لَکِ، حَتَّى، عِنْدَمَا، لَمَّا، الَّذِي، الَّتِي و....) نباید بین فعل شرط و جواب شرط دیده شود.

(۳) فعل شرط و جواب شرط اگر مضارع باشند، حتماً مجزوم هستند. (ـُ، حذف ن)

«مَنْ» پرسشی

«مَنْ» موصولی

«مَنْ» شرطی

انواع «مَنْ»

«مَا» پرسشی

«مَا» موصولی

«مَا» شرطی

«مَا» تعجب

«مَا» نفی

انواع «مَا»

* جواب شرط گاهی به شکل یک فعل (یک جمله فعلیه) و گاهی با ساختار «فَ + یک جمله اسمیه» می‌آید.

* مراقب باشید «ال» زمانی علامت معرفه (حرف تعریف) است که به ابتدای کلمه اضافه شده باشد، نه اینکه بخشی از خود کلمه باشد.

اسم‌هایی مانند «مَحْمَد، مَحْمُود، سَعِيد، صَادِق و...»:

اگر واقعاً اسم یک شخص باشند ← عِلْم هستند

اگر معنای صفت داشته باشند ← عِلْم نیستند

(۱) به ساختار زیر توجه کنید:

..... اسم نکره + همان اسم با ال ← اسم نکره + (آن / این) اسم

رَأَيْتُ أَفْرَاسًا. كَانَتْ الْأَفْرَاسُ جَنْبَ صَاحِبِهَا ← اسب‌هایی را دیدم. آن (این) اسب‌ها کنار صاحبشان بودند

(۲) در یک ترکیب اضافی «اسم ۱ + اسم ۲»، اگر اسم ۲ معرفه باشد، نتیجه می‌گیریم اسم ۱ هم معرفه است. (معرفه به اضافه)

سّمارة	بازيابى ← مبحث: جملة وصفية و انواع تركيب وصفى و اضافى	زمان پاسخگويى: ۲ دقيقه
۲۹.	إني إنتخبتُ فرعاً في الجامعة يُعجبني جداً!	جملة وصفية ✓ ×
	إذا قام الإنسان بعمل رائع أعجب الناس إعجاباً!	جملة وصفية ✓ ×
	حصلتُ على درجة عالية فأخبرتُ والديّ بهذا الخبر سريعاً!	جملة وصفية ✓ ×
۳۰.	كُن في الشّدائد كجزيرةٍ لا يكون البحرُ المَواجُ قادراً أن يبلعها!	الوصف و الموصوف؟
	عين الاسم مضافاً و موصوفاً معاً	☐ عمّال قريتنا مُجدّون ☐ عمّال قريتنا المُجدّون
		☐ أشعار الشاعر - أحمد شوقي - الجميلة ☐ أشعار الشاعر - أحمد شوقي - جميلة
سّمارة	بازيابى ← مبحث: اعراب فعل مضارع	زمان پاسخگويى: ۵ دقيقه
۳۱.	أثّرت اللّغة الفارسيّة على اللّغة العربيّة فَلْيُبَيِّنِ الأستاذُ أبعاد هذا تأثير!	نوع اللّام؟ ☐ أمر (جازمة) ☐ ناصبة ☐ جازّة
	لنتقدّم أكثر في المجالات المُختلفة طوال حياتنا سَعينا أكثر فأكثر!	☐ أمر (جازمة) ☐ ناصبة ☐ جازّة
	لتبيين أبعاد تبادل المُفردات بين اللّغات يُحاول بعض العلماء!	☐ أمر (جازمة) ☐ ناصبة ☐ جازّة
۳۲.	- المُزارعون ليزرعوا مزارعهم في فصلِ الربيع! - لا تستخدموا أسلوباً خاطئاً في تعلّم العربيّة أيّها الرُّملاء! - من يتعلّم العربيّة في المدرسة يُحبّها جداً! - تراني في زاوية من الشّارع المُزدحم امرأة تمرّ بنا!	كم فعلاً مُعادلاً لـ « المُضارع الاتزامي »؟ فعلٌ يدلّ على الاستمرار في الماضي:
۳۳.	(۱) كان أصدقائي بالمرض الذي يؤلم الإنسان في الشّتاء مُصابين! (۲) أكرم التلاميذ في يوم المعلم معلّمين يجتهدون إجتهداً كثيراً!	فعلٌ مُعادلاً لـ « الماضي البعيد الفارسي »؟
۳۴.	(۱) يئس هؤلاء العلماء من معرفة ظاهرة غريبة ما عرفوها! (۲) ذلك الولد إستشار أباه في الأمر فإنّه حصل على نتائج مطلوبة!	كم فعلاً « قد تغيّر زمانه في التّرجمة »: ☐ ۲ ☐ ۳ ☐ ۴ ☐ ۵
۳۵.	- من عزم أن يبدأ بالدّرس عرف كيف يدرس و ينجح في دراسته! - كان شكل كوكب الأرض كروياً! - لم تتوكلون على أولئك الأشخاص و أنتم واقفون على عجزهم!	

- * برای تشخیص جمله وصفیه دنبال ساختار «اسم نکره فعل» می‌گردیم. باید بتوانیم در ترجمه، بین اسم نکره و فعل، «که» اضافه کنیم.
- * مراقب باشید بین اسم نکره و فعل «و، ف، لِ، لَکِی، ثُمَّ، حتّی، آن و....» نیاید، چون نمی‌توانیم در ترجمه «که» اضافه کنیم..
- * مراقب باشید جواب شرط را با جمله وصفیه اشتباه نگیرید.

* دقت کنید ما ۲ نوع وصف (صفت) خوانده‌ایم:

اسم (موصوف) + اسم (صفت)
 اسم نکره (موصوف) + فعل (جمله وصفیه)

* برای تشخیص انواع حرف لام به نمودار زیر توجه کنید:

لِ + اسم ← لِ حرف جرّ (جارّه)

لِ + فعل مضارع	} لِ ناصبه ← تا، تا اینکه	جمله + لِ + جمله	آخر فعل —
		(بین دو جمله)	یا حذف نون
لِ + جازمه (امر) ← باید	} لِ جازمه (امر) ← باید	لِ + جمله	آخر فعل —
		(تک جمله)	یا حذف نون

* اگر «فَ + لِ» داشته باشیم، «لِ» جازمه (امر) است و «فَلْ...» خوانده می‌شود.

مثال	معادل فارسی	ساختار عربی
أَنْ يَذْهَبَ: که برود	مضارع التزامی	أَنْ / كَيْ / حَتَّى / لَ
لا يَتَكَاسَلُوا: نباید تنبلی کنند		لا نَهْي غَايِب و مُتَكَلِّم + مضارع
مَنْ يَذْهَبُ...: هر کس برود		فعل شرط
يُشَاهِدُ.....يُسَاعِدُ: کمک کند		مضارع + مضارع
لَيْتَ يَذْهَبَ: کاش برود		لَيْتَ / لَعَلَّ + مضارع
قَدْ يَذْهَبُ: شاید برود		قَدْ + مضارع
كَادَ يَذْهَبُ: نزدیک بود برود		كَادَ + مضارع

* اسلوب شرط (إِنْ / مَنْ / مَا / إِذَا) با فعل ماضی * كَانَ + یک اصل کلی و همیشگی * لَيْسَ	ماضی چه وقت مضارع ترجمه می شود ←
لَمْ + مضارع مجزوم «كَانَ + مضارع» یا «ماضی + مضارع»	مضارع چه وقت ماضی ترجمه می شود ←
سَوْفَ / سَوْفَ یا لَنْ + مضارع	مضارع چه وقت آینده ترجمه می شود ←

سُـرَـة	بازيابی ← مبحث: حروف مشبهة بالفعل و «لا» نفي جنس	زمان پاسخگویی: ۴ دقیقه
۳۶.	(۱) ليت الأغنياء في مدينتنا لا ينسون من ينامون الليل جائعين! (۲) لعلّ قلوبنا تخشع من تقوى الله و تدمع من خشية الله! (۳) كأنّ الفرصة تمرّ بنا و نحن مثل تلميذ راسب! (۴) كأنّ سماء المدينة سقف مرفوع فوق رؤوسنا! (۵) تكلمت مع أخيك ولكي علمت أنّه لا يرى الحقائق!	الحرفُ المُشَبَّه بالفعل: ☐ يدلُّ على ما نرجو وقوعه ☐ يدلُّ على معنى التشبيه ☐ يدلُّ على أمل القائل البعيد ☐ يدلُّ على الظنّ و التّخمين ☐ قد جاء لرفع الابهام عن قبله
۳۷.	- العلماء يؤكّدون الدّلائل تَسْتَطِيعُ تتكلّم بأصواتٍ مُعَيَّنَة!	إنّ / أنْ / إنّ / أنْ ؟ إنّ / أنْ / إنّ / أنْ ؟
۳۸.	- لا تواجه المشاكل باليأس و استقبلها بالتوكّل على الله! - يا بنتي؛ لماذا لا تَسْعَيْنَ في سبيل تربية ولدك الأخلاقية! - يجب ألاّ نتوقّع الخير في أمورنا الصّعبة إلّا من الله! - بُني! لا تَظَاهِرْ أَقْبَحَ مِنَ الرِّئَاءِ في عبادة الله! - أ لا تعلم أنّ الله يهدي من يشاء و يضلّ من يشاء!	نوع «لا»؟ ☐ نافية ☐ ناهية ☐ نافية للجنس ☐ نافية ☐ ناهية ☐ نافية للجنس ☐ نافية ☐ ناهية ☐ نافية للجنس ☐ نافية ☐ ناهية ☐ نافية للجنس ☐ نافية ☐ ناهية ☐ نافية للجنس
۳۹.	- لا العزّة إلّا لرَبَّنَا الرحيم الَّذي له كلّ شيء! - لا ضيوفاً في بيتنا هذه اللّيلة! - لا زينب في مدرستنا في هذه السّنة! - لا شيء أحسنّ من الدراسة و الرياضة! - لا في المدرسة تلميذٌ في العُطلات الصّيفيّة!	صَحّح الأخطاء في استعمال «لا» النافية للجنس:

از حروف مشبَّه به معنای (قطعاً، همانا)	در ابتدای جمله	إِنَّ ← + اسم / جار و مجرور
از حروف مشبَّه به معنای (که)	در وسط جمله	أَنَّ ← + اسم / جار و مجرور
از ادوات شرط به معنای (اگر)	در ابتدای جمله	إِنْ ← + فعل
ادات ناصبه به معنای (که)	در وسط جمله	أَنْ ← + فعل مضارع

انواع حرف «لا»:

آخر فعل — یا نون	لا نفی (نافیة) ← فعل مضارع منفی	}	لا + فعل مضارع
آخر فعل — یا حذف نون	لا نهی (ناهیة) ← فعل نهی (مخاطب: نرو / غایب و متکلم: نباید برود)		
	لا نفی جنس (نافیة للجنس)	←	لا + اسم نکره —
	لا عطف (عاطفة)	←	اسم + لا + اسم

* اسم «لا» نفی جنس: (لا + اسم)

همیشه فتحه می گیرد؛

همواره نکره است و بدون «تنوین» می آید.

سُماره	بازیابی ← مبحث: حال	زمان پاسخگویی: ۶ دقیقه
۴۰.	اشتریتُ الأسماك حيّة في إحدى الأسواق!	حال ✓ ×
	رأيتُ صيادين ضاحكين في الأسبوع الماضي!	حال ✓ ×
	في الحصّة الماضية أعطانا أحد المعلّمين فرحاً!	حال ✓ ×
	تكلّمتُ مع أحد معلّميننا حول تقدّي الدّرسيّ فرحاً!	حال ✓ ×
	كانّ الأب خلال هذا الأسبوع نشيطاً!	حال ✓ ×
	كان جميع الفلاحين يعملون في مزارعهم راضيين!	حال ✓ ×
	رأيتُ الطّالب المؤدّب في السّاحة و هو يحمل محفظة جميلة!	حال ✓ ×
	ماشيتُ معلّمي العزيز في الممرّ و الأوراقُ كانت بيده!	حال ✓ ×
۴۱.	سافرنا إلى قرية جميلة مع أصدقاء و أقرباء أحبّهم جدّاً!	حال ✓ ×
	على المعلّمين أن يستخدموا الأساليب الجديدة للتّدرّيس مُشتاقين!	مرجع الحال ←
	إشترى التّلميذ تلك الكتب من معرض الكتاب قيّمة!	مرجع الحال ←
	إنّ أصدقائنا لا يظلمون الأيتام خائفين من الله!	مرجع الحال ←
	يختبر الله عباده الصّالحين في الدّنيا عادلاً!	مرجع الحال ←

برای تشخیص حال، باید هم دنبال حال تک کلمه‌ای (مفرد) و هم حال جمله (جمله حالیه) بگردیم:

حال تک کلمه‌ای (مفرد):

* دنبال اسم مشکوک (مشتق، نکره، منصوب) می‌گردیم:

الف) «موصوف + صفت» را با «مرجع حال + حال» اشتباه نگیر!

مرجع حال + حال

موصوف + صفت

معرفه نکره

نکره نکره

ب) اسم مشکوک به حال را از جمله حذف کن، اگر جمله ناقص شد، حال نیست!

حال جمله (جمله حالیه):

* دنبال «.....(یک فعل)... + واو حالیه + مبتدا + خبر» بگرد.

* برای پیدا کردن مرجع حال، توجه کنید که:

(۱) مرجع حال معرفه است.

(۲) حال و مرجع حال، از نظر جنس و تعداد با هم مطابق هستند.

(۳) از ترجمه هم استفاده کنید.

سماړه	بازيابي ← مبحث: اسلوب استثناء	زمان پاسخگويي: ٦ دقيقه
٤٢.	عليك أن توصي كلّ ولد من الأولاد ألا يتكبر أمام الناس!	إلا ○ ألا ○
	الطبيبة لم تصف الإستراحة الكافية لأحد إلا لأخي المريض!	إلا ○ ألا ○
	لا يجعلنا فاشلين في مواجهة حوادث الحياة الا تكاسلنا!	إلا ○ ألا ○
٤٣.	لم يستمع إلى كلام الحكماء و نصائحهم إلا العاقلون!	مستثنى منه ← موجود ○ محذوف ○
	لم نكن قادرين ولكننا حاولنا محاولة بالغة إلا زميلاً واحداً!	مستثنى منه ← موجود ○ محذوف ○
	أكثر الناس لا يضيعون عمرهم إلا بالتكاسل و التردد!	مستثنى منه ← موجود ○ محذوف ○
	ما أكلنا الفواكه في ذلك الوعاء إلا ما كانت ناضجة!	مستثنى منه ← موجود ○ محذوف ○
	ما أكلنا الفواكه في ذلك الوعاء إلا من كان جائعاً جداً!	مستثنى منه ← موجود ○ محذوف ○
	لا يستر الناس إلا ما يخافون من عواقب جهره!	مستثنى منه ← موجود ○ محذوف ○
	لا يهتم الشباب بأهدافهم العالية في الدنيا إلا مُجدّين!	مستثنى منه ← موجود ○ محذوف ○
٤٤.	-زملأونا ما فهموا الدّروس الّتي درّسها المعلّم إلا هذا الأسلوب!	مستثنى منه ؟:
	-زملأونا ما فهموا الدّروس الّتي درّسها المعلّم إلا من يستمع إليها أكثر!	مستثنى منه ؟:
	-لا تُجالس النّساء هؤلاء الرجال في المحافل المختلفة إلا بعضهم!	مستثنى منه ؟:
٤٥.	«إنّما الفخر لأهل العلم و الأدب!» عيّن المُترادف للعبارة:	○ ليس لأهل العلم و الأدب إلا الفخر! ○ ليس الفخر إلا لأهل العلم و الأدب!

* برای تشخیص «إِلَّا» از «أَلَّا» در سوالی که علامت را نمی‌دهند و به صورت «أَلَّا» می‌نویسند:

- إِلَّا (ادات استثنا) + اسم یا جار و مجرور ← ذهبت الأُسْرَةَ إِلَى السَّفَرِ إِلَّا أَخِي
أَلَّا (= أَنْ + لَا) + فعل مضارع ← عزمنا أَلَّا نَكْذِبَ مَرَّةً أُخْرَى (تصمیم گرفتیم که بار دیگر دروغ نگو)
- حواست باشد یه «أَلَّا» (بدون تشدید) هم داریم که معنای «آگاه باش، هان» می‌دهد!

* برای تشخیص (مستثنی منه موجود) از (مستثنی منه محذوف):

- (۱) اگر جمله مثبت است (منفی یا سوالی نیست) ← ۱۰۰٪ مستثنی منه موجود
- (۲) اگر کلمه بعدِ إِلَّا، مرفوع است (أَنَّ، اَنْ، وَنَ) ← ۱۰۰٪ مستثنی منه محذوف
- راه کلی و همیشگی: ﴿﴾
- جمله از نظر معنی درست و کلمه بعدِ إِلَّا نقش بگیرد ← محذوف
- جمله نادرست با عضو اضافی ← موجود

* برای پیدا کردن مستثنی منه، اول کلمه بعد از «إِلَّا» را می‌بینیم، سپس در جمله قبل، دنبال کلمه‌ای کلی‌تر و بزرگتر می‌گردیم. (مستثنی باید زیر مجموعه مستثنی منه باشد.)

* «إِلَّا» و «إِنَّمَا» هر دو معنی «فقط، تنها» دارند.

* اما:

(۱) در ترجمه «إِلَّا»، لفظ «فقط، تنها» بر سرِ کلمه بعد از «إِلَّا» قرار می‌گیرد.

(۲) در ترجمه «إِنَّمَا»، لفظ «فقط، تنها» بر سرِ جزء دوم جمله می‌آید.

مفعول مطلق تأکیدی ← وظیفه آن، تأکید بر وقوع فعل جمله است.

فعل جمله + مصدر منصوب فعل جمله

مفعول مطلق نوعی (بیانی) ← وظیفه آن، بیان نوع، چگونگی و کیفیت وقوع فعل جمله است.

فعل جمله + مصدر منصوب فعل جمله + **صفت یا مضاف الیه یا جمله وصفیه**

* برای تشخیص مفعول مطلق، دنبال «فعل + + مصدر همان فعل....» می گردیم.
- مصدر مشکوک را از جمله حذف می کنیم؛ اگر جمله ناقص شد، مفعول مطلق نیست.

تأکید به إِنَّ (از حروف مشبّهة بالفعل) ← **کلّ جمله بعد از خود** را تأکید می کند

مفعول مطلق تأکیدی ← **فعل جمله** را تأکید می کند

مستثنی منه محذوف + **إِلَّا** ← **کلمه یا عبارت بعد از إِلَّا** را تأکید می کند

انواع تأکید در عربی

حرف جرّ «ک»

حرف مشبّه «کَانَ»

مفعول مطلق نوعی + مضاف الیه

انواع تشبیه

اسلوب نداء به یکی از شکل های زیر دیده می شود:

یا + یک اسم بدون ال تنها (بدون مضاف الیه) - اعراب منادا مرفوع است.

یا فاطمةُ، یا اصدقاءُ

یا + یک اسم بدون ال + مضاف الیه - اعراب منادا منصوب است.

یا معلّمَ المدرّسةِ، یا مؤمنی العالمِ - منادا (ال / تنوین / نون مثنی و جمع سالم) نمی گیرد!

یا + **أَيُّهَا** (مذکر) / **أَيَّتُهَا** (مؤنث) + اسم ال دار - اعراب اسم «ال» دار مرفوع است.

یا أَيُّهَا الْمُعَلِّمَةُ، یا أَيُّهَا الْمُعَلِّمُونَ

* وقتی «الله» منادا قرار گیرد، اسلوب ندا به یکی از شکل های «یا الله» و «اللهم» می آید.

برای تشخیص مبتدا از منادا: - اگر در عبارت فعل یا ضمیر مخاطبی باشد که به اسم ابتدای عبارت برگردد ← منادا

- اگر در عبارت فعل یا ضمیر غایبی باشد که به اسم ابتدای عبارت برگردد ← مبتدا

سُـمـرُه	بازیابی ← مبحث: معرب و مبني + انواع اعراب اسم	زمان پاسخگویی: ۳ دقیقه
۵۲.	هُمَا، كَيْفَ، الَّذِي، الَّذِينَ، هَاتَانِ، هَؤُلَاءِ، أَيَّ، هَذَيْنِ، مَنْ	معرب ←
		مبني ←
۵۳.	أصبح اللاعبان ۱..... لأنَّهما ۲..... في العمل!	۱: فائزان ○ فائزين ○ ۲: دُؤوبان ○ دُؤوبين ○
	ليت الإخوة ما كانوا في لحظات عمرهم عن الله!	غافلين ○ غافلون ○
	قال أحد ... ۱...: كأنَّ في كلِّ لحظة من عمرنا ۲..... للمستقبل!	۱: المتكلمون ○ المتكلمين ○ ۲: درس ○ درساً ○
	في مدرستنا تُجرى هذه السنَّة المباريات الرياضيّة وجميعنا مُسْتَعِدُّون لها.	گم إسماً مرفوعاً؟
	أُنْظِرْ إِلَى الدَّلَافِينِ كَيْفَ تَقْفِرُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ.	علامة الجرّ؟

اسم‌های مبنی	(۱) همه ضمیرها	(۲) اسم اشاره (به جز: مثنی)	(۳) اسم موصول (به جز: مثنی)
	(۴) اسم‌های پرسشی (مَنْ، مَا، كَيْفَ، أَيْنَ، مَتَى....) (به جز: أَى)	(۵) اسم‌های شرط (مَنْ، مَا، إِذَا، أَيْنَمَا)	

* بقیه اسم‌ها معرب محسوب می‌شوند.

انواع اعراب

اسم معرب

اعراب مرفوع

- علامت: ــــــــ / مثنی: انِ / جمع مذکر سالم: ونَ

- فاعل، نائب فاعل، مبتدا، خبر، اسم افعال ناقصه، خبر حروف مشبّهه و خبر لا

نفی جنس

اعراب منصوب

- علامت: ــــــــ / مثنی: ینِ / جمع مذکر سالم: ینَ

- مفعول، خبر افعال ناقصه، اسم حروف مشبّهه، حال

اعراب مجرور

- علامت: ــــــــ / مثنی: ینِ / جمع مذکر سالم: ینَ

- مجرور به حرف جر، مضاف الیه

* اعراب صفت ← دقیقاً مثل اعراب موصوفش است.

سُؤال	بازیابی ← مبحث: تحلیل صرفی و اعراب	زمان پاسخگویی: ۴ دقیقه
«مُجَدِّينَ - أَحْسَنَ - نَرْجُو - تُعْطَى»: (۱) مُجَدِّينَ: جمع سالم للمذكر (مفرد: مُجَدَّ، مذكر) - اسم فاعل من مزيد / اسم «أَنْ» و مرفوع بالضمّة (۲) أَحْسَنَ: اسم - مفرد مذكر - اسم تفضيل (مصدره: حُسْن) - معرب / خبر و مرفوع؛ مبتدؤه: هو (۳) نَرْجُو: فعل مضارع - للمتكلم مع الغير - مجرد ثلاثي (ماضيه: رَجَا) / فعل و فاعل؛ مفعوله: إغلاق (۴) تُعْطَى: فعل مضارع - للغائبة - مزيد ثلاثي (ماضيه: أُعْطِيَ؛ مصدره: إعطاء) / فعل و فاعله «الجوائز»		
۵۴.	تحليل صرفی و اعراب «فعل»	
ينتجون	من باب؟	☐ له حرف زائد واحد ☐ له حرفان زائدان
تَعْرِضُ الحقل للجفاف في فصل الشتاء!	من مصدر؟	☐ له حرف زائد واحد ☐ له حرفان زائدان
يَقْلُ اعتمادنا عليهم.....	مصدر؟ تَقْلِيلٌ ○ قِلَّةٌ ○ أَقْلٌ ○	
لا يَحْصِلُ على مطلوبه مَنْ يعتمد على الآخرين دائماً:	/ فعل و فاعل؛ الجملة فعلية	☐ × ☐ ✓
قد اِشْتَدَّ الجوع و لَمْ يَجِدْ الحيوانُ طعامه المَحْبُوب.	لازم ○ مُتَعَدِّ ○ لازم ○ مُتَعَدِّ ○	
تحليل صرفی و اعراب «اسم»		
على سَطْحِ القمر جبال مُرْتَفَعَةٌ.	☐ من مصدر مجرّد ☐ من مصدر مزيد	مصدر:
..... وكثرة المُؤَلَّفَاتِ في مجالات الصِّرف و النحو و البلاغة...	☐ اسم فاعل ☐ اسم مفعول	مصدر:
قد اِشْتَدَّ الجوع و لَمْ يَجِدْ طعامه المَحْبُوب	كم حرفاً زائداً لمصدره؟	
يُمْكِنُ الحصول على أَحْسَنَ ما يُريده الانسان.	اسم تفضيل، و مصدره: إِحْسَانُ ✓ ×	
قد يُمكن أن نعمل عملاً آخَرَ	☐ اسم فاعل ☐ اسم تفضيل	مؤنثه؟

*** برای پیدا کردن مصدر فعل‌ها:**

(۱) مصدر افعال ثلاثی مزید، وزن و قاعده مشخص دارند (إِفعال، تَفْعیل، مُفاعِلَةٌ، افْتِعال، انْفِعال، تَفَعُّل، تَفَاعُل، اسْتِفْعال)

(۲) مصدر افعال ثلاثی مجرد، وزن و قاعده ندارند؛ فقط مراقب باشید مصدر مزید برای فعل مجرد نیاید و وزن‌های مشتق (اسم فاعِل، اسم مفعول، اسم تفضیل، اسم مبالغه و مکان) به عنوان مصدر معرفی نشود!

* / فعل و مع فاعله جمله فعلیّه ← در مورد هر فعلی (به جز فعل‌های مجهول و افعال ناقصه) درست است!

* / جمله فعلیّه ← در مورد هر فعلی درست است!

* / فعل و فاعل؛ ← وقتی درست است که فاعل درون فعل باشد؛ یعنی فاعلی بعد از فعل نیامده باشد!

*** برای پیدا کردن مصدر، باب و... برای «اسم فاعل، اسم مفعول، اسم تفضیل، اسم مبالغه و مکان»:**

(۱) وزن «فاعِل / مَفْعول / أَفْعَل / فُعَلی / مَفْعَل / فَعَّال / فَعَّالَةٌ» ← از مصدر مجرد ثلاثی گرفته شده‌اند. مراقب باشید مصدر مزید برایشان ذکر نشود.

(۲) مُـ / مُـ ← اسم فاعل و اسم مفعول از مصدر مزید ثلاثی‌اند.

← روش به دست آوردن مصدر و باب در این حالت: به جای «مُ»، «ی» می‌گذاریم ← فعل مضارع و سایر اطلاعات بدست می‌آید.

سَمَارَه	بازیابی ← مبحث: ضبط حرکات	زمان پاسخگویی: ۲ دقیقه
۵۵.	سَتَوْنَ فِي الْمِئَةِ مِنْ تَلَامِيذِنَا كَانُوا نَاجِحِينَ فِي الْمُسَابِقَاتِ الْعِلْمِيَّةِ.	گم خطأً في ضبط الحركات؟
	إِنَّ الْأُمَّةَ إِذَا أَهْمَلَتْ شُؤْنَهَا تُصْبِحُ الصَّغَائِرَ كَبِيرَةً فَيَنْفِذُ فِي صَفُوفِهَا الاضطرابُ فَيَطْمَعُ فِيهَا الْآخَرُونَ.	گم خطأً في ضبط الحركات؟
	كَانَ وَلَدِي وَصَدِيقُهُ يَتَحَدَّثُونَ فِي الْمَدْرَسَةِ مُبْتَسِمِينَ.	گم خطأً في ضبط الحركات؟
	مَزَارِعَ / مُزَارِعَ	معنى /
	دَنْبَ / دَنَبَ	معنى /
	نَحْنُ / نُحْنُ	معنى /
	رَجُلَ / رَجُلْ	معنى /
	عَبَّرَ / عَبَرَ	معنى /
	عِشَاءَ / عَشَاءَ	معنى /
	غَدَ / غَدَاءَ / غَدَاةَ	معنى / /
	الْبَرَّ / الْبِرَّ	معنى /

* اولویت‌های زیر را در گزینه‌ها پیدا می‌کنیم و به ترتیب بررسی می‌نماییم:

* **اولویت (۱)** فعل‌ها و مصدرهای ثلاثی مزید (باب‌ها)

* **اولویت (۲)** اسم فاعل و اسم مفعول (مُـ یا مَـ) (بعد از آن ← اسم تفضیل و مکان و مبالغه)

* **اولویت (۳)** حرکت «نون» در مثنی و جمع مذکر سالم

* **اولویت (۴)** حرکات فعل مجهول

* **اولویت (۵)** کلمات متشابه و حرکات دقیق آن‌ها

■ عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (۸۱ - ۸۸)

۸۱- ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ﴾:

- (۱) بگو ای کافرها نپرستید آنچه را که من می پرستم و شما پرستش کننده نیستید از آنچه که من پرستش می کنم!
- (۲) بگو ای کافران نمی پرستم آنچه را که شما می پرستید و شما پرستش کننده آنچه را که می پرستم، نیستید!
- (۳) به کافران بگو عبادت نکنید آنچه را که شایسته عبادت نیست درحالی که عبادت کننده نیستید از آنچه عبادت می کنم!
- (۴) بگو ای کافرها عبادت نمی کنم چیزی که شایسته عبادت نمی باشد و آنچه شما عبادت نمی کنید من عبادت نکردم!

۸۲- «رُبَّ إِنْسَانٍ لَهُ نَقْصٌ فِي جِسْمِهِ فَيَعْوِضُ النَّقْصَ بِقُدْرَاتٍ جَسْمِيَّةٍ عَجِيبَةٍ لَا نَجْدَهَا فِي الْآخِرِينَ!»:

- (۱) شاید انسانی که در جسم خود نقصی دارد بتواند این نقص را با توانایی جسمی شگفتی که در دیگران یافت نمی شود جبران کند!
- (۲) گاهی انسانی که جسمش دارای نقص است نقص خود را با توانایی های جسمی عجیبی جبران می کند که در دیگران آن را نمی یابی!
- (۳) چه بسا انسانی که در جسم خود نقصی دارد و این نقص را با توانایی های جسمی عجیبی که در دیگران آن را نمی یابیم، جبران می کند!
- (۴) چه بسا یک انسان که نقصی در جسمش هست این نقص را با توانایی های جسمی شگفت که در دیگران پیدا نمی کنیم می تواند جبران کند!

۸۳- «لَمْ تَكُنْ أَسْرَثَةً قَدْ اسْتَطَاعَتْ أَنْ تَسَاعِدَهُ لِذَلِكَ قَرَّرَ أَلَّا يَعْتَمِدَ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا نَفْسَهُ!»:

- (۱) خانواده اش نتوانسته بود به او کمک کند بنابراین تصمیم گرفت به هیچ کسی جز خودش تکیه نکند!
 - (۲) خانواده او نمی توانستند به او کمک کنند به همین خاطر تصمیم گرفتند تنها به خودش تکیه کند!
 - (۳) خانواده اش نزد او نبود تا بتواند به او مساعدت کند بنابراین قرار گذاشت جز خودش به کسی تکیه نکند!
 - (۴) خانواده قادر نبود که به او کمک کند به همین خاطر تصمیم گرفت فقط به خودش اعتماد کند!
- ۸۴- «يَا قَوْمِ لَا تَزْعُمُوا أَنْكُمْ أَجْرَامٌ صَغِيرَةٌ خُلِقْتُمْ مِنْ طِينَةٍ عَبَثًا بَلْ أَنْطَوِي فِيكُمْ عَالَمٌ أَكْبَرُ لَا تَبْصُرُونَهُ!»:
- (۱) ای قوم من، فکر نکنید شما جرم های کوچکی هستید که از یک تکه گل، بیهوده آفریده شده اند، بلکه جهانی بزرگ در شما درهم پیچیده است که آن را نمی بینید!
 - (۲) ای قوم، گمان نکنید که شما جرم های ناچیزی هستید که بی هدف از تکه های گل آفریده شده اید، بلکه درون شما عالمی بزرگتر درهم تنیده اند که آن را نمی بینید!
 - (۳) ای قوم من، خیال نکنید که شما جرم هایی کوچکید که بیهوده از یک تکه گل آفریده شده اید، بلکه در شما جهانی بزرگتر درهم پیچیده شده است که نمی بینیدش!
 - (۴) ای قوم، مپندارید که شما جرم های کوچک هستید و از یک تکه گل بیهوده آفریده شده اید، زیرا در شما جهان بزرگتری درهم تنیده است که آن را ندیده اید!

۸۵- «أَعْجَبَ أَنْوَشِرَوَانَ كَلَامُ الْفَلَّاحِ الرَّائِعِ فَأَمَرَ جُنُودَهُ بِأَنْ يُعْطَى لَهُ أَلْفِي دِينَارٍ!»:

- (۱) حرف جالب کشاورز انوشیروان را به شگفت آورد، لذا به سربازان خویش دستور داد که به او هزار دینار بدهند!
- (۲) سخن جالب کشاورز انوشیروان را به تعجب واداشت، لذا به سربازانش دستور داد که دو هزار دینار به او داده شود!
- (۳) انوشیروان از سخن جالب کشاورز خیلی تعجب کرد، لذا به سربازان خود امر کرد که به او هزار دینار داده شود!
- (۴) انوشیروان از سخن جالب کشاورز خوشش آمد، لذا به سربازانش امر کرد که به او دو هزار دینار بدهند!



۸۶- عَيْن الصَّحِيح:

(۱) رَبِّ إَحْمِنِي فِي الشَّدَائِدِ وَأُعْنِي وَتَقَبَّلْ دَعَاءِي! ای پروردگارم از من در سختی‌ها نگهداری کن و مرا یاری کن و دعايم را بپذیر!

(۲) إِنَّ اللَّهَ نَصَرَ رَسُولَهُ وَ الْمُؤْمِنِينَ بِغَزْوَةِ بَدْرٍ! همانا خداوند پیامبر و مؤمنان را به وسیله جنگ بدر یاری کرد!

(۳) مَا رَسُنَا مُمَارِسَةَ الرِّيَاضِيِّينَ لِنَفُوزٍ فِي الْمُبَارَاةِ! همراه ورزشکاران تمرین کردیم تا در مسابقات برنده شویم!

(۴) لَمْ يَغْرِسْ هَذَا الْمُزَارِعَ أَيَّ فَسِيلَةٍ فِي الْحَقْلِ! این کشاورز هیچ نهالی در کشتزار نمی کارد!

۸۷- عَيْن الخطأ:

(۱) فِي إِيرَانَ الْعِمَارَاتُ الْأَثَرِيَّةُ كَثِيرَةٌ فَإِحْصَاؤُهَا يَسْتَعْرِقُ زَمَنًا طَوِيلًا! در ایران بناهای تاریخی بسیاری هست که شمردن آنها وقت طولانی می گیرد!

(۲) الْإِعْجَابُ بِالنَّفْسِ مَا يَمْنَعُ أَنْ تَعْمَرَ الْحِكْمَةُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ! خودشیفتگی آن چیزی است که مانع می شود حکمت در قلب شخص مغرور ماندگار شود!

(۳) إِيَّاكُمْ وَ مَجَالِسَةَ الْكَذَّابِينَ فَإِنَّهُمْ يُبْعَدُونَكُمْ عَنِ الْحَقِيقَةِ فَيُضَرُّونَكُمْ! از هم نشینی با افراد بسیار دروغگو بیرهزید زیرا آنان از حقیقت دورتان ساخته و به شما آسیب می زنند!

(۴) لَمْ تَنْتَظِرْ بِمَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ قُدْرَةً وَ هَذَا يَسَبِّبُ أَنْ لَا يُصَدِّقَ كَلَامُكَ! چرا به چیزی وانمود می کنی که قطعاً بر آن توانایی نداری و این باعث می شود سخت باور نشود!

۸۸- «دروغم داشت مرا می کشت پس تصمیم گرفتم که دروغ نگویم!»:

(۱) كَذِبِي كَادَ يَقْتُلَنِي فَعَزَمْتُ أَنْ لَا أَكْذِبَ! کان کذبی یقتلنی فأریذ أن لا أكذب!

(۲) كَذِبِي قَرَّبَ يَقْتُلِي فَعَزَمْتُ أَنْ لَا أَكْذِبَ! کاد کذبی یقتلنی فعزمی علی أن لن أكذب!

■ ■ ■ إقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۸۹ - ۹۳) بِمَا يُنَاسِبُ النَّصَّ:

للمطر تأثير كبير على نمو المحاصيل لأنها المصدر الرئيسي للمياه العذبة اللازمة للنبات ولذلك تؤثر كمية المطر على الإنتاج الزراعي. فكمية الأمطار الساقطة وفصل سقوطها ونظام سقوطها تحدد نوع المحصول الذي يمكن زراعته. فالأمطار تسقط على معظم الإقليم الموسمي صيفاً، ولذلك تُزرع المحاصيل الصيفيّة كالرز، كما تُزرع المحاصيل الشتويّة في إقليم البحر المتوسط كالقمح اعتماداً على الأمطار الشتويّة.

ليست كمية المطر دليلاً على نجاح الزراعة، من المهم أن تسقط الأمطار في الوقت المناسب وهو فصل النمو الذي يحتاج فيه النبات إلى الماء احتياجاً أكثر. تختلف الاحتياجات المائية للنباتات حسب نوع المحصول. تبعاً لاختلاف المناطق التي تزرع فيها. فكمية ۱۰۰ مم مطر قد تكون مناسبة للزراعة في النواحي المعتدلة لكنها غير كافية في المناطق المدارية، وكما تكون الأمطار مفيدة للزراعة فأحياناً تكون ضارة كما يحدث في الفيضانات (سيلابها) المخربة.



٨٩- عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (١) تتغذى النباتات المختلفة على مياه الأمطار العذبة!
- (٢) تساقط الأمطار الشتوية لا ينفع المحاصيل الصيفيّة جدّاً!
- (٣) قد لا ينمو محصولٌ جيّداً و هو في منطقة تُمطر السّماء كثيراً!
- (٤) أكثر النباتات لا تحتاج إلى مياه الأمطار إلّا في فصل الإثمار!

٩٠- عَيْنِ الصَّحِيحِ حَسَبِ النَّصِّ:

- (١) تكتفي النباتات في المناطق الجافّة بالقليل من المطر!
- (٢) من أهمّ الأمور هو زراعة النباتات التي لا تحتاج إلى المطر!
- (٣) إنّ العامل الوحيد الذي يُسرّع نموّ المحصول هو تساقط الأمطار!
- (٤) كميّة الأمطار في المناطق المداريّة تكون أقلّ من المناطق المعتدلة!

٩١- عَيْنِ الْأَنْسَبِ لِعَنْوَانِ النَّصِّ:

- (١) الأمطار المفيدة و الأمطار الضارة!
- (٢) دور الأمطار في نموّ النباتات!
- (٣) المطر ضروريّ للحياة!
- (٤) المحاصيل الشتويّة و المحاصيل الصيفيّة!

■ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ (٩٢ - ٩٣)

٩٢- «تؤثّر - الإنتاج - الساقطة - تُحدّد»:

- (١) تؤثّر: مضارع - صيغته للمفرد المؤنث الغائب - من وزن: فَعَلَ و مصدره: «تأثير» - اسم فاعله: «مؤثّر» / فعل؛ و فاعله «كميّة»

- (٢) الإنتاج: اسم - مفرد مذكّر - مصدر لفعل مزيد ثلاثي من باب: انفعال - معرّف بأل/ مجرور بحرف الجرّ
- (٣) الساقطة: مفرد مؤنث - اسم فاعل (له حرف زائد واحد؛ فعله الماضي: ساقط) - معرفة / صفة أو نعت و موصوفها: «الأمطار»

- (٤) تحدّد: مضارع - للغائبة - مصدره: تحديد، من باب تفعيل - معلوم - متعدّد / فعل و فاعله «نوع»؛ مع فاعله جملة فعليّة

٩٣- «تُزرع - إحتياج - تختلف - تُحدّد»:

- (١) تُزرع: مضارع - للمفرد المؤنث الغائب - حروفه الأصليّة: ز ر ع ؛ مصدره: زراعة - اسم فاعله: مُزارع - مجهول / فعل و فاعل؛ الجملة فعليّة

- (٢) إحتياج: اسم - مفرد مذكّر - مصدر لفعل مزيد ثلاثي - نكرة - معرب/ مفعول مطلق لبيان نوع فعله (يحتاجُ)
- (٣) تختلف: فعل - للغائبة - مزيد ثلاثي من باب افتعال، له ثلاثة حروف زائدة - معلوم - لازم/ فعل و فاعله: الإحتياجات
- (٤) ضارة: مفرد مؤنث - اسم فاعل (على وزن: فاعِل) - معرب - نكرة / خبر للأفعال الناقصة و مرفوع

■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٩٤ - ١٠٠)

٩٤- عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (١) يُعَدُّ الحوتُ الأزرقُ مِنْ أكبرِ الكائناتِ الحيةِ في العالمِ!
- (٢) لَهَجَاتُ هذه الطيورِ تَخْتَلِفُ مِنْ مِنْطَقَةٍ إِلَى مِنْطَقَةٍ أُخْرَى!
- (٣) تَغَيَّرَتِ أصواتُ الكلماتِ الفارسيَّةِ الَّتِي دَخَلَتِ اللُّغَةَ العربيَّةَ!
- (٤) لَا تَسْتَشِيرِ الكَذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ البَعِيدَ!

٩٥- عین غير المناسب في المفهوم و المقصود:

- (١) شَرُّ النَّاسِ ذَوَالْوَجْهَيْنِ!: نام خدا نبردن از آن به که زیر لب / بهر فریب خلق بگوئی خدا خدا
- (٢) الذَّهْرُ يَوْمَانِ، يَوْمَ لَكَ وَ يَوْمَ عَلَيْكَ!: وليکن چنین است گردنده دهر / گهی نوش یابند ازو گاه زهر
- (٣) وَجَدْتُ رَائِحَةَ الْوَدِّ إِنْ شَمَمْتُ رُفَاتِي!: ندارم دستت از دامن به جز در خاک و آن دم هم / که بر خاکم روان گردی بگیرد دامت گردم
- (٤) خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عِيُونَكُمْ!: دشمن چو به ما درنگرد بد بیند / عیبی که بر ماست یکی صد بیند

٩٦- عین الصحيح للفراغين:

إِخْتَارَ الزَّائِرُ فِي السُّوقِ قَمِيصًا وَ أَرَادَ أَنْ يَشْتَرِيهِ وَ إِذَا سَأَلَ بَائِعَ الْمَلَابِسِ عَنْ مَبْلَغِهِ قَالَ:
صَارَ الْمَبْلَغُ أَلْفَ تُمَانٍ، أَعْطَنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ أَلْفًا!

- (١) مِئَتَيْنِ وَ عَشْرِينَ - مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ
- (٢) سِتَّةً وَ تِسْعِينَ - تِسْعَةً وَ سِتِّينَ
- (٣) خَمْسِينَ وَ سَبْعَةً - أَرْبَعِينَ وَ ثَمَانِيَةَ
- (٤) مِئَةً وَ سَبْعِينَ - مِئَةً وَ ثَمَانِينَ

٩٧- عین الخبر ليس مرفوعاً:

- (١) كَانَ هَؤُلَاءِ الْأَمْهَاتِ مَعْتَمِدَاتٍ عَلَى قُدْرَاتِهِنَّ!
- (٢) قُدْرَةُ الْكَلَامِ بَعْضَ الْأَوْقَاتِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ!
- (٣) قَدْ حَاوَلْتُ جَمِيعَ زَمِيلَاتِنَا أَلَّا يَصْبَحْنَ رَاسِبَاتٍ!
- (٤) إِشْتَرَيْنَا أَنْوَاعَ الْفَوَاكِهِ الطَّازِجَةِ لِأَنَّهَا نَافِعَةٌ لِلْأَبْدَانِ!

٩٨- عین الّلام تختلف عن الباقي: (حسب المعنى)

- (١) لَتَنْتَظِفْ هَذِهِ الْعُرْفَ لِأَنَّ الصَّبُوفَ يَقْتَرِبُونَ مِنَّا!
- (٢) التَّلْمِيزَاتِ اللَّاتِي يَنْجَحْنَ لِإِسَاعِدِن صَدِيقَاتِهِنَّ!
- (٣) لِأَشْهَادِ الْأَمَاكِنِ التَّارِيخِيَّةِ قَطَعْتُ مَسَافَةً طَوِيلَةً!
- (٤) إِنَّ الْإِيرَانِيِّينَ لِيُحَاوِلُوا كَثِيرًا فِي تَدْوِينِ الْقَوَاعِدِ الْعَرَبِيَّةِ!

٩٩- عین الصحيح عن «مسرورين» حالاً:

- (١) قَدْ يَجْعَلُ خَبَرَ سَارٍّ مِنْ نَجَاحِ صَدِيقٍ جَمِيعَ أَصْدِقَائِهِ الْمُخْلِصِينَ مَسْرُورِينَ!
- (٢) إِنَّا فَتَّشْنَا عَمَّا كُنَّا قَدْ فَقَدْنَاهُ وَ فِي النِّهَايَةِ وَجَدْنَاهُ فِي زَاوِيَةٍ مِنَ الصَّالَةِ مَسْرُورِينَ!
- (٣) مِنَ الْجَمِيلِ أَنْ يُدْرَسَ الْمُعَلِّمُ وَ يُشَاهَدَ أَثْنَاءَ التَّدْرِيسِ مُتَعَلِّمِينَ مَسْرُورِينَ فِي الصَّفِّ!
- (٤) صَبَاحَ يَوْمِ الْخَمِيسِ بَعْدَ إِعْطَاءِ الْجَوَائِزِ صَارَ جَمِيعُ الْحُضَّارِ فِي قَاعَةِ الْمَرَامِيمِ مَسْرُورِينَ!

١٠٠- عین ما يمكن أن يكون مُبتدأً:

- (١) مُؤْمِنٌ يَعْمَلُ عَلَى أُسَاسِ مَا قُلْتُ فِي الْحَيَاةِ!
- (٢) رَبِّ نَسْأَلُ مِنْ فَضْلِكَ وَ نَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ فَقَطْ!
- (٣) أَخِي أَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَلَوْ بِكَلَامٍ لَطِيفٍ!
- (٤) أَصْدِقَائِي إِجْتَنَبُوا مِمَّا يُغْضِبُ اللَّهَ!



* فیلم تحلیل آموزشی آزمون شبیه ساز



* فیلم تحلیل آموزشی کنکور دی ۱۴۰۱



* فیلم تحلیل آموزشی کنکور تیر ۱۴۰۲



* فیلم تحلیل آموزشی آزمون های جامع پارسال کانون

